

ویژه معلمان و دانش آموزان

محتوای این کتاب برای تدریس در شاخه کار دانش گروه هفتم به تا نهم دفتر آموزش عالی عمومی کار دانش وزارت آموزش و پرورش رسیده است.

شوه نور

# آموزش خط نستعلیق

ترجمه  
محمد حسن آباقر

# عقده



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شبهه نود

آموزش خط شعیب



## مقدمه:

امروزه هنرجویان علاقمند به هنر خوشنویسی، خصوصاً آنهایی که در کلاسهای حضوری شرکت ندارند، دچار مشکل بزرگی در انتخاب بهترین نمونه هستند. بدین معنی که وجود کتب مختلف آموزش خط نستعلیق که هر کدام در نحوهٔ تعلیم و سبک با یکدیگر تفاوت دارند و از طرفی شناخت مختصر هنرجویان مبتدی، تصمیم در انتخاب بهترین نمونه را دشوار ساخته است. جدا از اینکه بسیاری از این کتب تکرار نحوهٔ تعلیم فرد دیگری می‌باشد، روش دقیقی را برای یادگیری ارائه نداده‌اند. اما روش بکار گرفته در این کتاب بگونه‌ای است که هنرجو می‌تواند اشکال مختلف حروف را در تمام قسمت‌های کلمه مشاهده نماید. بنابراین جدا از مواردی خاص که مبتدیان به آن نیاز نخواهند داشت، می‌توان اظهار نمود که نکته‌ای از قلم نیفتاده است. از طرف دیگر با توجه به مطالب مختصری که در قسمت بعدی آمده است، اطمینان داریم که ضمن توضیح دقیق چگونگی نوشتن حروف، کلمات و ..... بهترین نمونه خطوط را ارائه داده‌ایم.

والسلام

## هنرجوی گرامی

با توجه به اینکه مطلوب است در فراگیری هر فنی و هنری، به بهترین نمونه‌ها دست یابیم و تجربیات بهترین اساتید را در یادگیری بکار گیریم، لذا این مرکز با توجه به اینکه برای چندمین بار سرمشق‌های خط نستعلیق را جهت آسانی در یادگیری و کیفیت بالاتر تعویض نموده است، برای بار دیگر خطوط مختلف استاد بزرگوار غلام حسین امیرخانی را مصداق نظرات تعلیمی خود قرار داده است تا جانی برای شک و شبهه در کیفیت خطوط نباشد. بنابراین آنچه که یاد خواهید گرفت حاصل رنج و مشقت سالیان دراز این استاد بزرگوار است. پس بایستی خود را مدیون ایشان بدانیم و سعی در جبران زحمات این عالی مقام.

ما خود را مسؤول می‌دانیم که بهترین‌ها را

معرفی کنیم

## اصول، قواعد و ابزار خوشنویسی

قبل از اینکه توضیحات مختصری پیرامون اصول و قواعد خوشنویسی ذکر شود چند کلمه‌ای در مورد ابزار خوشنویسی گفته تا مبتدیان این هنر والا، یادگیری را با شناختی بیشتر آغاز نمایند.

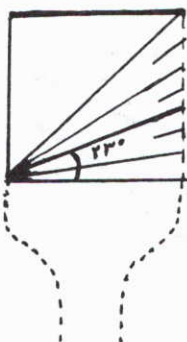
### ابزار خوشنویسی

چون دیگر هنرها، هنر خوشنویسی ابزار خاصی را می‌طلبد. تا آن هنگام که این ابزار مناسب کار نیابند، امیدى به پیشرفت نیست. اهمیت داشتن وسائل خوب، کمتر از داشتن یک استاد زبردست و یا کوشش‌های بی وقفه هنرجویان نیست. البته امروزه هنرجویان کمتر به این نکات توجه دارند، که شاید به جهت دشواری تهیه وسائل خوب باشد. اما در گذشته داشتن ابزار خوب آنقدر مورد نظر بوده است که تقریباً تمامی اساتید بزرگ پیرامون آن نوشته و صحبت‌های مفصل داشته‌اند.

بهرحال وسائلی چون قلم، قلمدان، قلمتراش، قط زن، دوات، هم زن، شیشه‌ای از آب مقطر، سنگ رومی، پارچه حریر مسطره، زیردستی، و کاغذ مجموعه ابزار خوشنویسان گذشته بوده است، که امروزه داشتن تمامی آن ضرورتی ندارد. از اینرو به توضیح مختصری پیرامون این وسائل می‌پردازیم.

۱- قلم: یکی از مهمترین ابزار خوشنویسی قلم است که باید دارای ویژگی‌های متعددی باشد تا بتوان از آن بهره برد. امروزه چندین نوع قلم که هرکدام مربوط به منطقه‌ای خاص می‌باشند در بازار وجود دارد.

بهترین آنها قلمی است که به قلم دزفولی شهرت دارد. این نوع قلم‌ها باید به حدکافی پخته باشند. نمونه خام و یا سوخته کاربرد مناسبی ندارد. سرخ و قهوه‌ای رنگ، صاف و بلند، بدون گره و پیچ، بدون تاب خوردگی و پوسته محکمی داشته باشند. با توجه به اینکه هرکدام قطر متفاوتی نسبت به دیگری دارد، لذا نوع تراش هر یک، باید متناسب با قطر آن باشد. در صورتیکه یک طرف قلم قهوه‌ای و طرف دیگر سفید باشد، بایستی تراش قلم از محل سفید آغاز شود که پوسته نوک قلم قهوه‌ای باقی بماند. می‌توان گفت که شیوه تراشیدن قلم برای تمامی قلم‌ها یکی است. و مواردی چون عرض نوک قلم، ضخامت آن، میدان قلم، زبان قلم و غیره تماماً بایستی متناسب با قطر قلم باشند. تنها تفاوت عمده در تراشیدن قلم زاویه آن است، که دقیقاً بر حسب شیوه نستعلیق، شکسته، ثلث و .... فرق می‌کند. شاید این تفاوت به شدت مشخصات تصویر زیر نباشد. اما مسلّم است که رعایت این تفاوت اهمیت زیادی دارد.



ثلث  
برای نستعلیق  
کونی

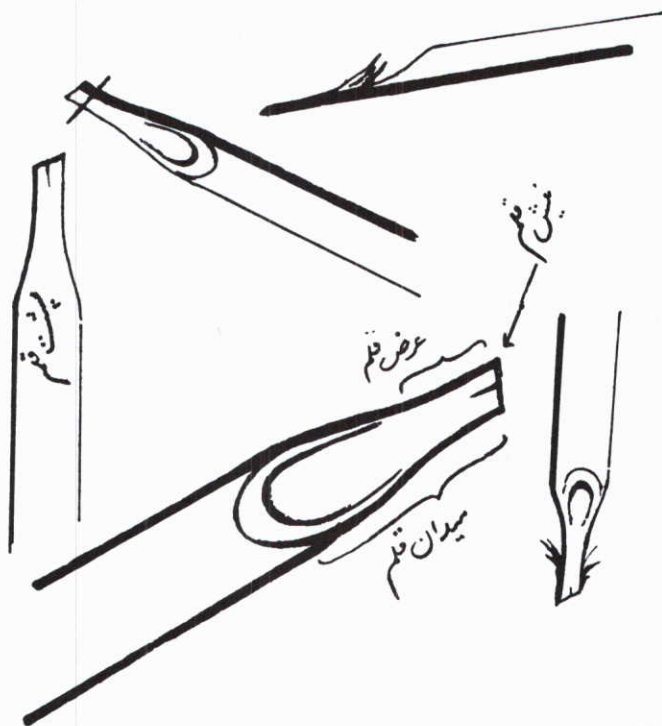


در تراشیدن قلم که با وسیله قلمتراش مخصوص (تصویر آن را خواهید دید) انجام می‌شود، چهار مرحله متفاوت صورت خواهد گرفت:

**الف:** تراشیدن روی قلم. معمولاً زاویه تیغه قلمتراش با قلم هنگام شروع تراش، ۴۵ درجه است، که بتدریج کم شده و در نهایت که به نوک قلم می‌رسد زاویه آن حداکثر ۵ درجه خواهد بود.

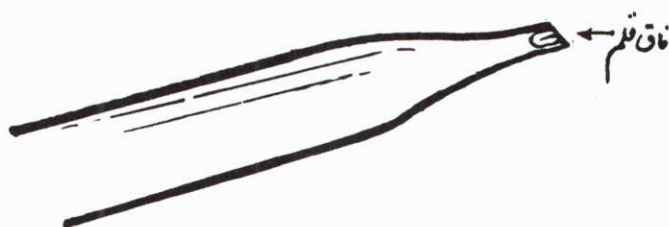
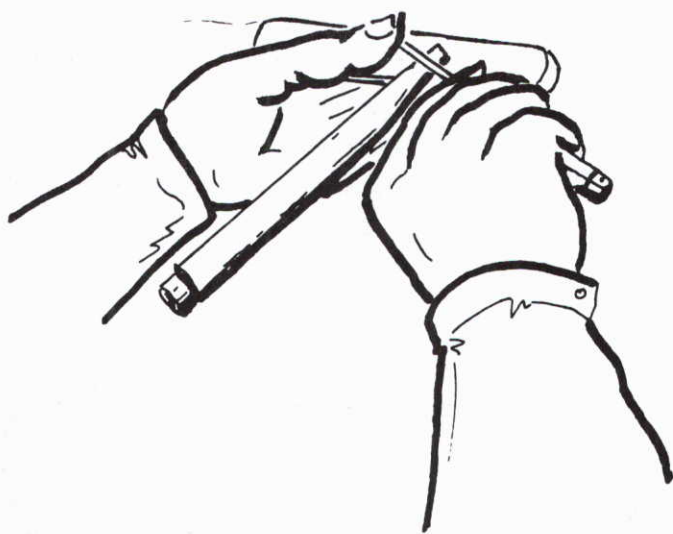
**ب:** تراشیدن کناره یا پهلوهای قلم تا مرحله نوک قلم. بایستی تراش طرفین قلم دقیقاً با هم برابر باشند. و برای پی بردن به اشتباه می‌توان از پشت قلم این عمل را کنترل نمود. نکته مهم این است که عرض نوک قلم بیشتر از قسمت عقب تر خود نباشد.

**ج:** مرحله سوم برداشتن (تراشیدن) پشت قلم است، چراکه مرکب، پشت آن جمع نشود و به راحتی به طرف نوک قلم حرکت کند. برداشتن پشت قلم با حفظ لایه‌ای از لاک قلم در دو طرف نوک آن.



د: مرحله چهارم قط زدن یا زاویه دار کردن نوک قلم است. شاید بتوان گفت که اندازه زاویه قلم یک مسئله شخصی است و باید متناسب با دست هنرجو و عادات خاص او باشد. اما حد اعتدال این است که تکیه گاه دست روی کاغذ باشد (مثل خودکار گرفتن) و سپس هنگامیکه قلم را بر روی کاغذ می گذاریم تمامی عرض قلم بر روی کاغذ قرار گیرد، به شرطی که اثر قلم بر کاغذ با خط عمود زاویه ۶۰ درجه ایجاد کند. لذا می توان گفت که حداکثر زاویه مورد نیاز برای قلم ۲۳ درجه است. بهرحال این مسئله را باید دقیقاً تجربه کرد و به آن رسید.

گاهی پس از قط زدن یک فاق (شکاف کوچک) از پشت قلم در وسط نوک قلم ایجاد می کنند (مانند فاق خودنویس). اما این عمل در تمامی قلم ها انجام نمی شود. علت انجام این عمل روانی حرکت مرکب و اعتدال در ریختن آن بر روی کاغذ است.



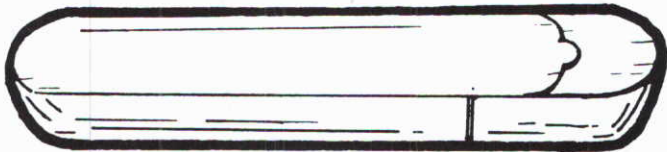
تقسیم بندی سنتی اندازه قلم‌ها بدین ترتیب است:

- ۱- غبار. ۲- خفی. ۳- کتابت. ۴- سرفصلی. ۵- مشقی یا قطعه. ۶- جلی صفحه.
- ۷- کتیبه

اگر بخواهیم اندازه عرض این قلم‌ها را ذکر کنیم، استاد غلام حسین امیرخانی فرمایند:

- ۱- از کوچکترین اندازه تا نیم میلی‌متر (غبار). ۲- از نیم میلی‌متر تا  $\frac{3}{4}$  میلی‌متر (خفی). ۳- از  $\frac{3}{4}$  میلی‌متر تا  $\frac{1}{5}$  میلی‌متر (کتابت). ۴- از  $\frac{1}{5}$  میلی‌متر تا ۲ میلی‌متر (سرفصلی). ۵- از ۲ میلی‌متر تا ۶ میلی‌متر (مشقی). ۶- از ۶ میلی‌متر تا ۲ سانتی‌متر (جلی صفحه) و از ۲ سانتی‌متر بیشتر را (کتیبه) گویند.

۲- قلمدان: ذکر این نکته که در گذشته از چه قلمدانی استفاده می‌شده است ضرورتی ندارد. مهم این است که یک خوشنویس نیاز به قلم‌های متعددی دارد، و نیاز به ابزار دیگری که داشتن آنها در وقت خوشنویسی ضرورت خواهد داشت. لذا داشتن یک قلمدان از هر نوعی که باشد الزامی است. شاید یک قلمدان چوبی بتواند قلم‌ها را بهتر از یک قلمدان چرمی حفظ نماید.

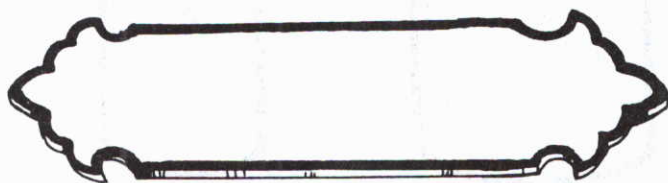


۳- قلمتراش: با توجه به شکل قلمتراش می‌توان گفت که دو فرق اساسی بین چاقوی قلم تراش با دیگر بُرنده‌ها است  
الف: شکل منحنی نوک، که بر عکس دیگر چاقوها است.  
ب: جنس تیغه که بسیار حساس است

تمیز بودن تیغه‌های یکی قلمتراش اهمیت بسزائی دارد. تیغه‌ها نباید با رطوبت تماس حاصل نمایند، و توصیه می‌گردد که از آن برای تراشیدن چوب و یا مواد دیگر استفاده نشود.



۴- قط زدن: پس از تراشیدن یک قلم، بایستی نوک آن را با قلمتراش زاویه‌دار کرد. برای این عمل از یک قطعه چوب استفاده می‌شود. قلم را بر روی آن گذاشته و با قلمتراش نوک آن را قطع می‌کنند. این قطعه چوب بایستی از درختی خاص چون چوب شمشاد باشد. تجربه شده است که چوب درخت شمشاد، استخوان تراشیده شده حیوانات، شاخ گوزن و .... مناسب است. قط زن باید نه آنقدر سُست و ضعیف باشد که هنگام قطع نوک قلم، در اثر قلمتراش آسیب ببیند و نه آنقدر محکم باشد که به لبه قلمتراش زیان وارد شود.





۵- دوات: دوات شامل لیقه و مرکب است.

وجود لیقه (مقداری الیاف ابریشم) در مرکبدان ضروری است. چرا که خطر ریختن مرکب را رفع ساخته و مهمتر اینکه تنظیم کننده مقدار مرکب، بر روی قلم است. امروزه غیر از ابریشم از مواد دیگری هم استفاده می‌کنند. اما مرکب خوب باید دارای ویژگی‌هایی باشد که عبارتند از: پرننگ بودن، غلظت مناسب، غیره چسبنده بودن، قدرت کشش در حروف بلند (مدات). باید دانست که برای هر کاغذی و قلمی مرکب مناسب آن لازم است.

۶- هم زن: در گذشته رسم بر این بود که قبل از استفاده از مرکب ساخته شده، آن را کاملاً هم زده تا دوباره حل شود، و سپس بکار می‌بردند. برای این عمل از یک چوب بلند، از جنس آبنوس، استفاده می‌شده است.

۷- شیشه یا ظرف آب مقطر: با توجه به اینکه حلال مرکب آب است، لذا حتی اگر درب مرکبدان بسته باشد آب موجود در آن تدریجاً تبخیر می‌شود. لذا داشتن مقداری آب مقطر که بدون املاح است، برای تنظیم غلظت مرکب ضروری می‌باشد. بهتر است پس از جوشاندن کامل آب، چند دقیقه‌ای انتظار بکشیم تا املاح آن کاملاً ته نشین شده و سپس مورد استفاده قرار دهیم.



۸- سنگ رومی: با توجه به اینکه تیغه قلمتراش‌ها حساس می‌باشد لذا، پس از کند شدن و از دست رفتن خاصیت برندگی، بایستی آنها را مجدداً تیز کرد. از اینرو استفاده از کلیه وسایل تیزکننده برای قلمتراش‌ها زیان‌آور است، الاً با استفاده از سنگ‌هایی چون سنگ رومی. و از طرفی با عنایت به اینکه داشتن سنگ رومی برای همگان میسر نیست، بهتر است که تیز کردن قلمتراش‌ها را به عهده سازندگان آن بگذاریم.

۹- پارچه: این امکان وجود دارد که به دلایل متفاوتی بخواهیم نوک قلم را تمیز کنیم. لذا وجود یک قطعه پارچه سفید که در گذشته معمولاً پارچه حریر بوده است ضروری می‌باشد. و از طرفی توصیه می‌شود که همیشه پس از پایان خوشنویسی حتماً نوک قلم را تمیز کرده تا مرکب اضافی بر روی قلم خشک نشود.

۱۰- مسطر: در قدیم خوشنویسان وسیله‌ای را می‌ساختند که از آن برای اندازه‌گذاری سطرها استفاده می‌شده است. این وسیله مسطر نام دارد. اما امروزه داشتن خطکش و گونیا نیاز را بر طرف می‌سازد.

۱۱- زیردستی: یکی از ابزار و آلات مهم خوشنویسی، داشتن زیردستی خوب است. میزان سختی و نرمی آن مورد اهمیت است. تجربه شده است که چرم ماده مناسبی برای زیردستی می‌باشد.

۱۲- کاغذ: اگر قلم و مرکب خوب باشد داشتن کاغذ خوب ضروری است. این سه عنصر عوامل بسیار مهمی در میان ۱۲ مورد بالا بوده و هستند. بایستی برای هر خطی کاغذ مناسبی داشت. اگر بتوانیم با قلم جلی براحتی بر روی کاغذ گلاسه (شفاف و نرم) بنویسیم، مسلماً نمی‌توان انتظار داشت که با قلم غبار هم بتوان بر روی آن کاغذ نوشت. لذا کاغذ نقش تعیین‌کننده دارد. بدیهی است که نوشتن بر روی کاغذهای زیر و خشن سرعت سبب تخریب نوک قلم می‌شود.

## قواعد و اصول خوشنویسی

خوشنویسان مشهور این مرز و بوم، چون ابن مقفه، ابن بواب، یاقوت مستعصمی و دیگران هر کدام نظرانی پیرامون اصول و قواعد هنر خوشنویسی داشته‌اند که به حمد .... نسل به نسل به ما رسیده است. قوانینی که امروزه هم پس از گذشت چندین قرن تغییر اساسی پیدا نکرده است.

بنابراین می‌توانیم به طور خلاصه با معنی کردن اصطلاحاتی خاص، به ذکر

اصول خوشنویسی پردازیم

- ۱- قوت: هنگامیکه از تمام عرض قلم استفاده شود، مثل حرف (ب).
- ۲- ضعف: هرگاه که از عرض واقعی قلم در نوشتن حروف و کلمات استفاده نشود و یا اینکه قلم زاویه‌دار حرکت نماید، مثل (دندانها).
- ۳- سطح: کلیه حرکات راست (افقی، عمودی و مایل) را گویند که دارای دور و چرخش نباشد، مثل حرف (ب و یاف).
- ۴- دور: کلیه حرکات منحنی شکل را گویند مثل حرف (نون).
- ۵- صعود حقیقی: کلیه حرکاتی که به سمت بالا روند مثل حرف (الف)، هنگامیکه در انتهای کلمه قرار می‌گیرد.
- ۶- صعود مجازی: کلیه حرکاتی که با چرخش و دور به سمت بالا می‌روند مثل قسمت چپ حرف (نون).
- ۷- نزول حقیقی: کلیه حرکاتی که به سمت پائین باشند مثل حرف (میم و یا لام).
- ۸- نزول مجازی: کلیه حرکاتی که با چرخش و دور به سمت پائین باشند همانند قسمت راست حرف (ح) و مشابهات آن.
- ۹- سواد و بیاض: میزان اعتدال در سفیدی و سیاهی حروفی چون (صاد، طا و ...).
- ۱۰- نسبت: رعایت دقیق اندازه‌های حرف و یا کلمه، بطوریکه در صورت کوچک و یا بزرگ کردن آن، لطمه‌ای به اندازه و تناسب وارد نشود. مبنای اندازه‌گذاری دقیق برای هر حرف و یا کلمه نقطه است. شکل این نقطه مربع کامل بوده که حاصل عرض قلمی است که با آن کتابت می‌نمائیم. بعنوان مثال با هر قلمی که حرف الف را بنویسیم، اندازه آن باید حداکثر ۳ نقطه باشد.
- ۱۱- ترکیب: ترکیب عبارتست از آمیزش معتدل و موافق حرف، کلمه، جمله، سطر و نهایتاً تناسب دقیق سطرها با یکدیگر. بنابراین ترکیب جزئی و کلی با هم ارتباط

مستقیم دارند.

در ترکیب، عناصر مهمی دخالت دارند که در زیر آورده شده است:

الف: ترکیب صحیح حرف، کلمه، سطر

ب: رعایت فواصل و سواد و بیاض بین اجزاء یک قطعه خط.

ج: رعایت اندازه قلم با زمینه کاغذ و تناسب آنها با یکدیگر

د: دقت در ترکیب عبارات هنگامیکه دارای دو خط کرسی باشیم.

و: رعایت تعداد مدّات (کشیده‌ها) در سطر، و صفحه و انتخاب دقیق کلمات برای کشیده‌ها.

۱۲ - خط کرسی: با توجه به اینکه هر حرفی دارای محل مشخصی نسبت به خط

کرسی می‌باشد، لذا جزء اصول مهم خوشنویسی است که در جاگذاری و چین

حروف و کلمات بر روی خط کرسی دقت زیادی داشته باشیم.

بنابراین یک خوشنویس ملزم به این است که جهت زیباتر نوشتن موارد فوق را به

تجربه بدست آورد. بر مثالهای موارد ۱ تا ۱۱ در زیر توجه کنید.

۱- س      ۲- سا      ۳- س

۴- ن      ۵- نا      ۶- نن      ۷- م

۸- ح      ۹- طا      ۱۰- ا ا ا ا

۱۱ و ۱۲

باین هرف میوالن از در هم نوشتن حرف بهترین جذابترین فو م بر وجود



### پیش درس

قبل از شروع درس اول و تمرین موارد مورد نظر، لازم است یادآور شویم که رعایت دو نکته مهم می تواند بسرعت ظاهر خط شما را تغییر دهد. این دو نکته عبارتند از، الف: رعایت قوانین مربوط به خط کرسی. ب: نحوه قلم گذاری صحیح بر کاغذ و یادگیری استفاده از نوک  $\frac{1}{3}$ ،  $\frac{2}{3}$  و تمام عرض قلم.

خط کرسی: همانطور که اشاره شد در سطر نویسی های ساده، هر حرفی نسبت به خط کرسی دارای محل خاصی است. بنابراین می توان گفت که بعضی از حروف روی خط کرسی قرار می گیرند و تمامی حروف قوسی و یا دایره ای شکل تقریباً در وسط خط کرسی نوشته می شوند. یک حرف استثناء وجود دارد و آنهم حرف میم است که جزء دو ایر محسوب نمی شود، اما نیمی از آن بالا و نیم دیگر پائین خط کرسی قرار دارد.

توجه کنید:

س ف ک ط و ه  
ی ن ص س و ع ح ل  
م

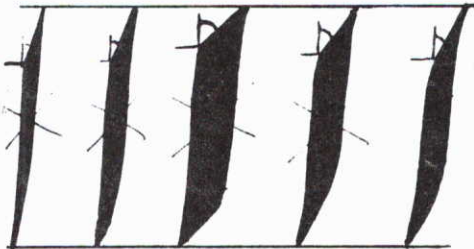
لذا مادامی که خط را بصورت ترکیب پیچیده نوشته ایم، بایستی محل دقیق حروف فوق الذکر نسبت به خط کرسی طبق نمونه های بالا باشد.

با رعایت این نکته بسرعت شاهد تغییر خط خود خواهید بود. باید بدانید که فاصله بین حروف و کلمات تقریباً یک نقطه است.

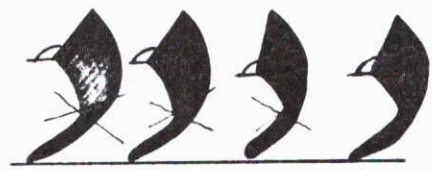
## نحوه قلم‌گذاری

کلیه هنرجویانی که به یادگیری هنر خوشنویسی می‌پردازند، مدت‌ها دچار عدم قدرت تشخیص در نحوه قلم‌گذاری و سپس چگونگی استفاده از نوک قلم،  $\frac{1}{3}$  و یا  $\frac{2}{3}$  آن می‌باشند. موارد مذکور اهمیت ویژه‌ای در درست نوشتن دارد. باید دانست که برای نوشتن هر حرفی یا کلمه‌ای، چگونه قلم را بر روی کاغذ بگذاریم، و یا با چه زاویه‌ای حرکت‌ها را آغاز نماییم. لذا مناسب است که در مرحله اول تجربه کنید که نوک قلم دارای چه توانائی‌هایی می‌باشد. به شکل زیر توجه کنید.

باین  
نمونه  
دقت  
توجه  
کنید.



زاویه صحیح



زاویه صحیح

تمامی این خطوط با یک قلم نوشته شده‌اند و در همه موارد از تمام عرض قلم استفاده شده است. اما همانطور که ملاحظه می‌کنید پهنای هر یک با دیگری فرق دارد. این تفاوت فقط به خاطر نوع قلم‌گذاری و زاویه شروع حرکت است. اگر بتوان زاویه حرکات را تشخیص داد مشکل عمده‌ای را رفع ساخته‌ایم. نکته دیگر این است که برای ساخت قسمت‌های نازک و پهن، بایستی به ترتیب از نوک قلم،  $\frac{2}{3}$  و تمام عرض قلم استفاده نمود.

نکته مهم این است که در حروف و کلمات، کلیه نقاطی که از ضخامت اصلی قلم کاسته شده است می‌تواند دو علت داشته باشد: ۱- یا با نوک قلم و یا بخشی از عرض قلم نوشته شده است ۲- یا تمام عرض قلم بر روی کاغذ حرکت کرده، اما حرکت آن با زاویه خاصی نسبت به خط کرسی بوده است. شاید بتوان گفت که مهمترین عامل زیبایی خط، استفاده صحیح از نوک قلم و یارعايت قوت و ضعف است. دو عنصر قوت و ضعف در تمامی خطوط نقش اساسی را دارند. به نمونه‌هایی از قوت و ضعف قلم در ساخت حروف و کلمات توجه کنید.

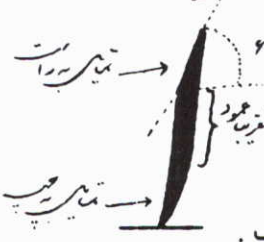
همانطور که مشاهده می‌کنید چرخش قلم و همچنین استفاده از قسمت‌های مختلف نوک قلم سبب ضخامت‌های متفاوتی شده است. بنابراین نیایستی برای نوشتن یک قطعه خط دائم تمام عرض قلم بر روی کاغذ در حرکت باشد.



# الف

در پیش درس آورده شد که حروف الفبا نسبت به خط کرسی دارای

محل خاصی هستند. از این رو تماماً باید دارید که حرف الف روی خط

کرسی قرار دارد؛ توجه کنید: 
  
اندازه معمولی حرف الف ۳ نقطه است.

قسمت بالای آن به سمت راست و پائین به سمت چپ متمایل دارد.

ضخامت آن بستگی به نوع قلم گذاری دارد. به نظر میرسد که زاویه سر مدج - تقویاً

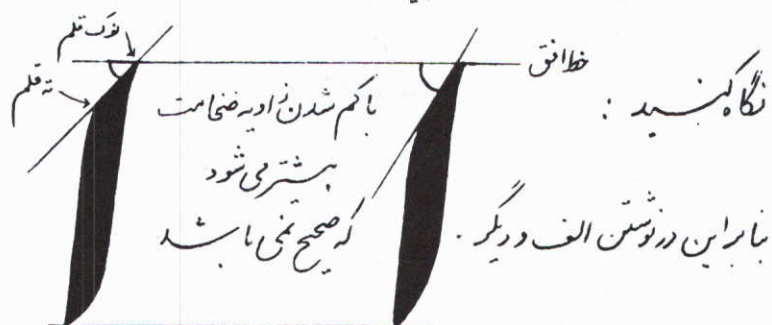
۶۰ درجه است. در قسمت پائین، سمت راست، نوک قلم با آرامی در

رده و با بلائیت به سمت چپ حرکت می‌کند. هر مقدار زاویه قلم گذاری نسبت



به خط افق کمتر شود، ضخامت الف بیشتر خواهد شد، که خلاف قاعده است.

نکته بنسبت: خط افق  
با کم شدن زاویه ضخامت  
بیشتری شود  
که صحیح نمی باشد



حروف میزان زاویه قلم نسبت به خط افق اهمیت ویژه‌ای دارد. در بالا

ضخامت غیر عادی هر دو الف به دلیل که ذکر شد کلاً مشخص است. هر دو با

یک قلم نوشته شده است. گاهی اوقات اندازه الف به جهت اهمیت ترکیب

کوتاه تر از ۳ نقطه است. «کنکشان» در این نمونه حرف الف

حدوداً ۲ نقطه است. بنابراین اندازه آن دقیقاً سگی به محل استفاده دد

باید دانست که شکل آن تغییری نمی‌کند، تنها اندازه آن کم یا

زیاد می‌شود. گاهی الف بالاتر از خط کرسی قرار دارد.

در نمونه زیر مشاهده خواهید کرد که محل حرف الف بالای خط کرسی قرار دارد.

## گفت‌ای مجنون شیدایت این

تقریباً تمامی حروف در حالت جدا و اتصال دارای اشکال متفاوتی هستند؛ لذا

نیگامی که الف به حروف دیگر متصل می‌شود دارای سه شکل است؛ توجه شود:

۱- گاهی دقیقاً مثل الف است اما حرکت آن باید مطابق حرف قبلی باشد.

مثل ← **لَعَلَّ** ، این نمونه را باید در کنار لام بکار برد.

۲- گاهی در انتهای کلمه است: **حَطَا** ، **اَسْمَاد** در بسته

اندازه آن در انتهای کلمه ۴ نقطه است و به سمت راست متمایل می‌شود.

دوبار **سَا** ضخامت آن تقریباً بیشتر از **پ** عرض مسلم است.

۳- اما الف یک شکل کاملاً استثنائی دارد و آن

بنگامی است که قبل از آن نقطه حرف (ه) باشد؛ توجه کنید:

نوشتن آن از پایین شروع می شود. قسمت زیر شبیه به حرف میم است، و کوتاه تر از قسمت بالا است.

«بنابر این غیر از نمونه های ۱ و ۲ شکل الف مثل نمونه های زیر است»

ح ا ک ص ع م ا ب

مشاهده می کنید که پس از دو شکل الف تقریباً در همه جا مشابه هم هستند

با توجه به اینکه زاویه حرکت الف در موارد ۱ و ۲ و هنگامیکه جدا است با

هم فرقی نمی کنند لذا اخطا نیست با در همه جا یکسان است، حتی در شکل الف

دارای کلاه است: ۱ شروع کلاه الف نازکتر از

پایان آن است. گاهی اوقات کلاه



الف را با اشاره قلم می نویسند که در این صورت فتحات آن کمتر خواهد شد، خصوصاً در خط بی کرسی.

تمرین

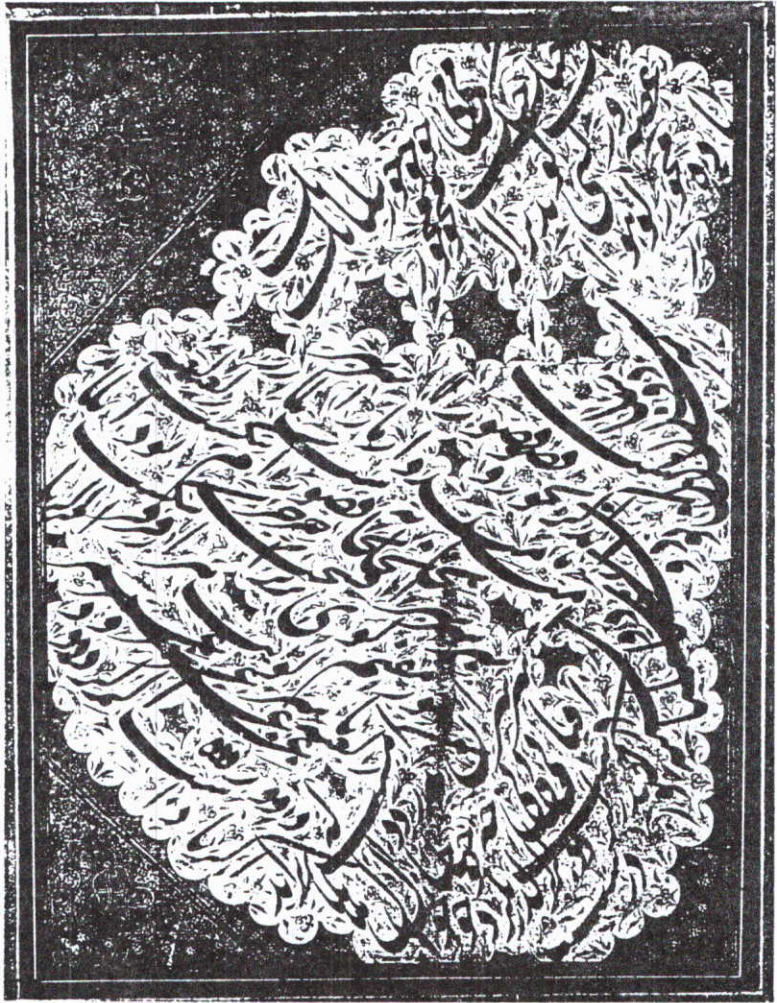
الا اعلم احما حلا طلا

اسا اسر عصا فا

احسا اطلاعا سا با

بز با بد کوه در آکب برک گاه





سایشق: استاد محمد درضا کلهر





حرف «ب» هنگامی که جدا نوشته می شود دارای دو شکل کوتاه (۵) و  
 گاهی (۴ نقطه ای) و بلند (۱) و گاهی (۱۱ نقطه ای) می باشد. معمولا  
 نمونه ۵ در نقطه ای استفاده می شود. با دقت شکل زیر را بررسی کنید:



قسمتی از انتهای «ب»، تماس بر خط کرسی است. نقطه شروع تقریباً ۲ نقطه بالا  
 از خط کرسی می باشد و ارتفاع نقطه آغاز با نقطه پایان یکی است. پهن ترین قسمت  
 «ب» هنگامی است که نوک و انتهای قلم در راستای خط عمود قرار بگیرد و این  
 در انتهای «ب» صورت می پذیرد. ۲/۳ میزان شیب از راست به چپ است.

بنابر این شاید بتوان گفت که در هیچ نقطه‌ای دقیقاً بر روی خط مستقیم حرکت

نمی‌کنسیم و در همه جا شیب وجود دارد. مهم‌ترین نکته، نحوه قلم‌گذاری است.

و اما، بلند است  
؛ انتها یک نقطه پائین‌تر از ابتدا است



نقطه تماس داوچ گیری به سمت چپ

شروع دو نقطه بالاتر از خط کرسی است، اما پایان آن نزدیک به خط است.

همانند اب، کوتاه، بیشترین ضخامت در انتها است. ابتدا، انتها،

شیب وزاد به شروع را باید مگر مقایسه ننمایند. به چگونگی حرکت قلم توجه شود.



منگامیده حرف اب، در انتهای کلمه بصورت متصل به حرف دیگر بیاید. ۲۶

بہیں صورت نوشتہ می شود. اما ہنگامیکہ در ادل و در وسط کلمہ بایند ماتہ خورد

چون (پ، ت، ث، ن، ی) فقط بہ شکل یک دندانہ نوشتہ می شود.

۱- در ادل کلمہ بہ اشکال زیر دیدہ می شوند:

پ ت ث ن ی

ہر یک از موارد فوق با حرف خاضی می آیند. نمونہ: را در زیر شاہیدہ

پ ت ث ن ی

پ ت ث ن ی

۲- «در وسط کلمہ شکل آن بگونہ دیگر است»

پ ت ث ن ی

پ ت ث ن ی

ہمانطور کہ گفتہ شد شش عدد از حروف الفبا در وسط کلمہ بہ

صورت یک دندان دیده می‌شوند و از لحاظ شکل با یکدیگر تفاوتی ندارند.

بنابر این حرف «ب» در ادل کلمه بیستین حالت را دارد.

«تمرین ۱۱»

چو در نیمه شب سر بر آرم ز خواب

«تمرین ۱۲»

از سخن صورتت بزد و باز مرد

«ابتداء آنها کمی بالاتر از خط کرسی است.»

و اگر

از این شیوه درست استفاده کنیم زیبایی خط بیشتر خواهد شد.



حرف اف،  مانند حرف اب،

در حالت جدا دارای دو شکل کوتاه و بلند است. شکل کوتاه ۵ نقطه و بلند

۱ و یا ۱۱ نقطه است.  قسمت اول

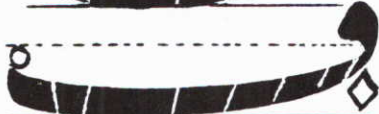
حرف اف، و قاف، دقیقاً مثل هم است با این تفاوت که سمت راست

حرف اف، دور بیشتری دارد (گردن دارد). اما این تفاوت هنگام

است که جدا نوشته شوند. مرحله اول با تمام قلم است و اما مرحله دوم

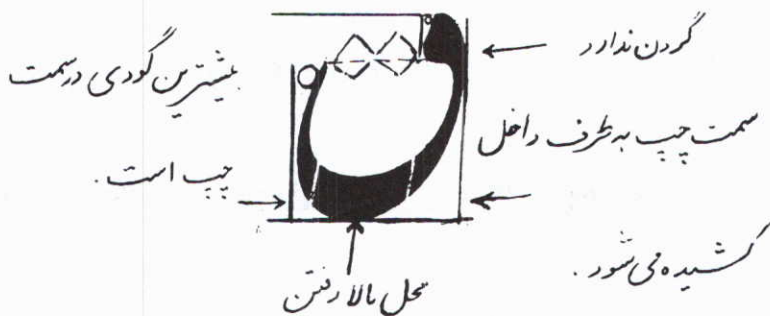
که دور به سمت راست است، با  $\frac{1}{2}$  قلم و سپس با نوک قلم نوشته می شود.

این قسمت دور زیادتر دارد  اینها عمود است

قسمت دوم در  هر دو مشابه با حرف است



شروع حرف «ف» حد اعلیٰ از دو نقطه بالاتر از خط کرسی می باشد، تا آنجا  
 شیب مجرور نظر را بدست آورد. انتهای «ف» بلند و کوتاه با یکدیگر فرق را را



ارتفاع سمت چپ کمتر از طرف راست است. گودی این حرف ۲ نقطه

است و ارتفاع آن چهار نقطه.  محل آن نسبت به خط کرسی»

۱- این دو حرف در اول کلمه تعادتی ندارند و توپُر داشته می شوند.

ف ا ب م ح ع ه و ز س ط

ع ه و ز س ط ف ا ب م ح

۲- این دو حرف اگر ادل کلمه نباشند اما حرفی بهم به قبل آن متصل باشد

باز هم شکل این دو حرف مثل نمونه های قبلی است: **دس**

۳- این دو حرف در وسط کلمه دقیقاً مثل هم بوده و توخالی نوشته می شوند:

**سفس** **فسف** **فسس**

**فسفس** **فسفس** **فسفس**

۴- حرف اف، در انتهای کلمه (بنگامیکه متصل باشد) توخالی است اما


حرف قاف، توپر نوشته می شود: **فقل**

نوشتن اف و قاف، بنگامیکه وسط کلمه بکار میروند بانوک مسلم نوشته می شوند

قسمت بالای آن **ا** در آ **ا** تقریباً مایل دارای ضخامت بیشتر

نسبت به پایین آن است. و همپور اف، در آخر کلمه بنگام انفصال، بدون شکل

ساخته می شود. توجه: فضای خالی



بدقت این شکل را مطالعه کنید.

۱- ساخت این شکل فقط محل دور به سمت بالا (چپ) و خروج زلف

- ۱- با نوک قلم (نبی از قلم) انجام می گیرد.
- ۲- شروع از قسمت ۱ آغاز می شود.
- ۳- در همه حال قلم در گردش است.
- ۴- بین قسمت ۱ و ۲ دایره ای باید فاصله لازم حفظ شود.
- ۵- گردش قسمت ۲ کوتاه است و قسمت ۴ تقریباً یک حرکت صاف است باز رویه ۴۵ درجه.
- ۶- بیشترین دور در قسمت ۱ می باشد. فضای خالی تقریباً همی می باشد.
- ۷- ضخامت قسمت بالا پدید می آید.
- بیشتر از قسمت راست چپ است. گاهی اوقات ضخامت در گردش قسمت ۲

اینگونه است.



نقطه موافقی که حرف قبل کشیده باشد

از نوک می خورد

ز ت ه

توجه داشته باشید که حرکت شماره ۵ (شکل دچگونگی حرکت) اصلی به حرف دارد.

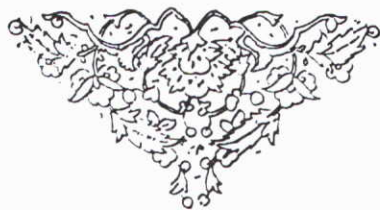
تمرین ۱۱

که صفای خط از صفای دست

تمرین ۱۲

قدر فلک را کمال و منزلتی نیست

بمانظور که توجه می کنید شروع و ختم این مصرع کلمات از خط کرسی است.







سیاسق : استاد محمد رضا کلهر



## ک ک

با توجه به اینکه حرف الف، ب و د را یاد گرفته‌اید، نوشتن حرف ک

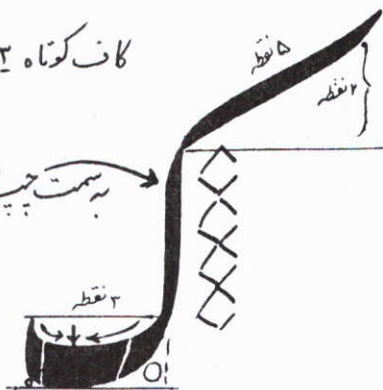
را آسان است. چرا که دسته کاف دقیقاً مثل الف و قسمت بعدی مثل ب است.

«کاف در حالت جدا دارای دو شکل کوتاه و بلند است.»

کاف کوتاه ۲ نقطه است، دسته آن که معمولاً کمی

به سمت چپ منحرف می‌شود ۳ نقطه و سرش آن

۵ نقطه است. مثل حرف (ب) و

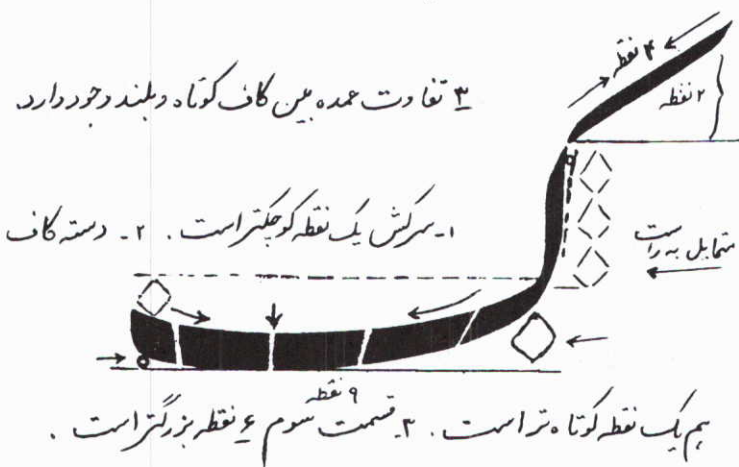


یا الف، انتهای کاف کوتاه با کاف بلند کاملاً فرق دارد. اشکاف دسته کاف

(پایین آن) به سمت راست سب می‌گردد تا حرکت بعدی بهتر انجام شود.

۲ شیب به طرف چپ و ۴ آن به طرف راست است.

توجه شود که دسته کاف در پائین کمی نازکتر از بالای آن است



دقیقاً همانند کاف کوتاه،  $\frac{2}{3}$  میزان شیب به سمت راست و  $\frac{1}{3}$  آن به سمت

چپ است . نقطه تماس با خط کرسی با این علامت (↓) مشخص شده است.

۱- « هنگامیکه این حرف در اول کلمه باشد اینگونه است »

# کاف کج کل کنی کج کس

در ساخت اشکال فوق برای نمونه های ۳، ۴ و ۶ باید از نون و  $\frac{2}{3}$  علم استفاده نمود.

توجه کنید: ۱- دایره کاف در نمونه ۴، در صورتیکه لام اوچک داشته باشد

با تمام قلم نوشته می شود، مثل نمونه اول: یا کوه ۲- شکل ایفط

زمانی بکار میرود که بعد از کاف تنها الف، لام اوچک و یا کاف بزرگ باشد.

کوه ۳- شکل ۲ در بسیاری موارد بکار میرود، حدوداً  $\frac{1}{4}$  از کجاو

حرف الفبا. ۴- شکل ۳ هم در بسیاری از موارد کاربرد دارد. ۵- شکل ۵ فقط

با حرف ری بکار گرفته می شود. ۶- شکل بعدی فقط هنگامی بکار میرود که بعد

همس لما از حرف میم یا حرف هما س

الف، حرف کاف و یا حرف لام داشته باشیم. ۷- و شکل آخری فقط زمان

لح سا «بکار میرود که حرف بعدی کشیده باشد» هو در نمی

لرطسا

حرف کاف در وسط کلمه می تواند بر حسب کلمه بعدی حداقل ۵ شکل متغیّر داشته باشد.

کاه ، کجا ، کل ، سکمی

این نمونه ها با نمونه های کاف فکر اول کلمه تفاوت زیادی ندارند.

۳- همگامیکه این حرف در انتهای کلمه بصورت متصل قرار گیرد

دارای دو شکل است ، کاف کوتاه و بلند . اما توجه داشته باشید که کاف کوتاه

در اینجا دیگر ۳ نقطه ای نمی باشد بلکه ۵ نقطه برده و دسته هر دو کاف مثل هم است .

طعلک ، ملک

مهم : الف : اگر قبل از کاف لام باشد مثل دو نمونه بالا ، دسته کاف بالای

باید بجز حرکت هماهنگی داشته باشند . ب : دسته کاف باید دارای قوس یا

گردش طلایی به سمت راست باشد تا بتوان قسمت بعدی را با همایی بهتر  
نوشت. بهمانطور که می‌دانید در کاف جدا و قفا معکوس این حرکت انجام می‌شود.

« تمرین ۱۱ »

تَرَک آرام و خواب باید کرد

« تمرین ۱۲ »

حصار فلک بر شادی بلند







سیاہ سق، استاد محمد منیر کلہر

# ر

حرف (ر) در حالت جدا دارای شکل متفاوت است. به شکل زیر توجه کنید.

بزرادید حرکت قلم و نوع قلم گذاشتن

توجه نمایید: ←

تقریباً از نقطه وسط به پایین

نوک قلم بکار رفته می شود

فضای خالی سمت راست

و سمت چپ را تقاضا می کنند

شروع نوشتن این حرف از دو نقطه بالاتر از خط کرسی آغاز شده. در مرحله اول

تمام عرض قلم بر روی کاغذ است. در وسط انحناء آغاز و حدوداً پانزدهم

رافتق با نوک قلم می سازیم. انتهای آن باید بر روی خط کرسی قرار گیرد.

در همه جا از این شکل استفاده می شود اما از نوع دوم (ر) جدا، فقط در کلمه (در)

استفاده می کنیم.

نوع حرکت بعدی همان است اما

این شکل تقریباً با اشاره نوک قلم ساخته می شود و ضخامت آن تغییرات زیادی ندارد.

توجه داشته باشید که این شکل از دو جدا جدا از دال



دکن بازی آید که توضیح خواهیم داد. حرکت زیر دال باید هماهنگ با او باشد.

«این حرف هنگام اتصال به حروف دیگر دارای سه شکل است»



نمونه اول روی خط کرسی، روی کمی پائین تر و نمونه سوم تقریباً وسط قفسه در دال.

ساختن نمونه دوم و سوم با اشاره نوک قلم انجام می شود. توجه داشته باشید که

در ترکیبات شکل ترائین خواننی شوند. استفاده از هر کدام با حروفی خاص است.



در اتصال به حروف الفبا نمونه سوم کاربرد بیشتری خواهد داشت

بنابر این باید بدانیم که بعد از هر حرف که امیک از این ۳ شکل  
باید استفاده نمود.

\*\*\*

پشتِ دالِ دور در تراست



به زادیه قلم گذاری وقت شود

بعد از ساخت قسمت اول

شروع با تمام قلم است.

در فاصله کوتاهی قسمت ته قلم از روی صفحه برداشته می شود و سپس قسمت دوم

را با نوک قلم می سازیم. بخشی از دال که با تمام قلم نوشته شده از قسمت دوم جدا

گردد است. قسمت بالا نسبت به خط عمود کمی عقب تر از قسمت پایین است.

در همه موارد از این نوع دال استفاده می شود الا اینکه حرف بعدی

ز

که در این صورت از دال ده



(ر) بوده و مربوط به دال باشد:

استفاده می شود. بیشترین تفاوت در شکل این دو دال قسمت زیر از ارتفاع آنهاست



ارتفاع دال دو نقطه است، اما ، دال در حالت انصال دارای ۲

شکل است. نمونه اول در همه موارد بکار میرود اما نمونه دوم در لفظ وقتی مورد

استفاده قرار می‌دهیم که حرف قبلی کشیده نوشته شود. به نمونه های زیر توجه شود.

مسکده ، فکده

دال در نمونه اول روی خط کرسی و در نمونه دوم معمولاً کمی بالاتر است.

اما قسمت دوم در هر دو با اشاره نون قلم ساخته می‌شود.

در رور رود در در در

رده سد فطر فطر فرون

دح فح در دم



« تَمْرِنِ »

آه زو مسخواه لیک اندازده خواه

« تَمْرِنِ »

ما پشاهی است که یادش ز کامیاب



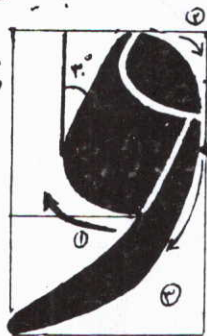


## و ، ه

می توان گفت که حرف و، او، تا حدی شبیه به حرف ا، و یا د قاف

است، با تفاوت اندکی در دور زدن همچون میزان دور، اما زاویه شروع

در هر دو یکی است. نوع چرخش قلم مشخص شده است. ارتفاع



حد اقل نقطه است. قلم لذار با نوع قلم گذاری در سیاه

از حروف می است. برای شروع قلم را حد اقل نقطه بالاتر از خط کرسی گذاشته

و با تمام عرض قلم به سمت چپ و بالا حرکت می کنیم. هنگام دور به سمت راست

و ساختن قسمت دوم، به درج سه قلم از روی کاغذ برداشته شده و قسمت سوم را

فقط با نوک قلم می سازیم. دقت شود که قسمت چپ حتماً با دور زدن ساخته شود.

علامت فلش در سمت راست (پشت داد) نشان دهنده این که برای ساخت

سمت دوم تا این نقطه دور به سمت راست و از این نقطه به بعد دور به سمت

چپ است. دقت داشته باشید که داد در حالت جدا و متصل خرفی ندارد.

ملو لسو ککو سو مو → توجه نما

تفاوت نکته این است که تمام اتصالات به داد بانوک قلم انجام می گیرد.

حرف (o) در حالت جدا  دارای شکل است.

زاویه شروع قلم بیشتر از زاویه قلم در حرف وال و یا داد است. قسمت بالا

آن تمام قلم و قسمت زیر (از نقطه فلش - تا ۲) بانوک قلم نوشته می شود.

فضای زیر بیشتر از سمت راست و چپ است. دقت کنید که فضای

خالی با مجموعه این حرف تناسب داشته باشد. (رعایت سواد دبیاصل)



ارتفاع این حرف ۲ نقطه و محل آن در حالت عادی روی خط کرسی است.

«اما این حرف در حالت اتصال دارای ۳ شکل است...»

در اول کلمه **بِه**، **بِه**، **بِه** شکل دارد

برای نوشتن نمونه دوم و سوم از نوک قلم استفاده می شود.

در وسط کلمه **بِه**، **بِه**، **بِه** شکل دارد

شکل اول، دوم و چهارم بانوک قلم نوشته می شود و اما...

انتهای کلمه فقط دارای ۱ شکل است: **بِه** نوع حرکت شبیه به کلاه

الف است. بعد از نقطه ای که با فلش عمود مشخص شده است باید سرعت دور زدن

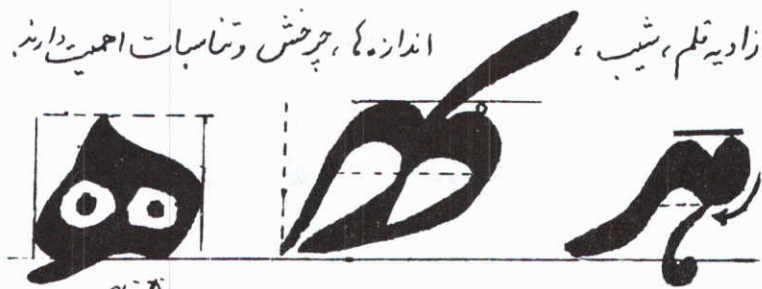
دور در قسمت اول بیشتر است. محل آن روی خط کرسی می باشد.

فاصله نمونه های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ از خط کرسی نسبتی به نوع کلمه دارد.



نمونه‌های پذیرا بدقت مورد بررسی قرار دهید.

زادیه نلم، شیب، اندازه‌ها، چرخش و تناسبات اهمیت دارند.



نمونه استناد آن هنگامی است که به الف وصل می‌شود:



«تمرین ۱۱»

بهر که چهره بر فروختند ببری اند

«تمرین ۱۲»

باشکند امت کتم چهره آ

فقط دارای شکل است. زیر

حرف مهم در حالت جدا

کرسی است. دسته مهم در

این حرف نقطه بالاتر از خط

در انتهای مسطر قرار میگیرد و در این

همه جا نقطه می باشد. هنگامیکه

بیشتر از نقطه نسبت به خط کرسی، آن را بالا برد شروع این حرف تا

تقریباً: انتهای آن با تمام قلم انجام می شود. به اندازه گذاری ای زیر توجه کنید

تمام قلم باز آید مناسب



مهم: برای شروع

خط کرسی سپس به سمت راست

بر روی کاغذ قرار گیرد.

اینکه به اندازه کافی عقب حرکت

شیب در حرکت می کنیم. پس از

از محل خط چین در حالت شیب

گردیم با حالت دور بسیار خفیف

می کنیم و بادور زدن ملامت

عبور کرده و به سمت چپ حرکت

به خط عمود رسیده و در حالیکه قلم به آرامی دور می زند، دسته میم را در راستای عمود

می سازیم. دقت داشته باشید که قسمت بالا و پایین میم (سمت چپ) به طرف

راست تمایل پیدا می کنند. این حرف در اصل کلمه دارای اشکال متفاوتی است.

ما، ممد، ممر، مح → توجه کنید

نمونه اول، سوم و چهارم را با تمام قلم می سازیم. به مثالهای زیر توجه کنید:

معر، مسعه، مسا، ملا، محمود، محرم، مرجع

شکل این حرف در وسط کلمه بلون زیر است.

ممد، ممر، ممر، مس

توجه داشته باشید که شکل ۲ و ۳ به ترتیب شبیه به شکل ۱ و ۲ در نمونه های بالا است.

معمولاً از نمونه چهارم زمانی استفاده می کنیم که حرف قبلی بلند باشد.

در زشتن نمونه‌های یاد ۱ و ۲ باید از تمام عرض قلم استفاده نمود.

اما حرف میم در انتهای کلمه دارای دو شکل است.

نمونه اول مثل **صمیم** **طعم** میم جدا می‌باشد

نمونه دوم با نمونه چهارم میم در وسط (صفحه قبل) کاملاً مشابه می‌باشد. اما خروج از

میم در اینجا با تمام قلم صورت می‌پذیرد. به قوس زیر میم ۲ بدقت توجه کنید.

به نمونه‌های زیر توجه نمایید.

عمر . لعما . کما . عماد . عمر

موج . عمومی . علمی . مسم . مسمم

مجمع . هم . کم . می

در میان نمونه های بالا کلمه از ضخامت بیشتری برخوردارند. آیا می توانید

فقط با دیدن این نمونه ها را پیدا کنید.

«تمرین»

بجانت ای بُت شیرین من چه سَمع

آیا می توانید در این بیت خط کرسی را با توجه به نمونه های قبل پیدا کنید؟

شبانِ تیره مُردم فغانی حوشین است



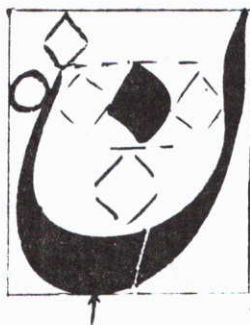


# ن

حرف نون در حالت جدا دارای یک شکل است

قوس و یا چرخش حرف نون، خصوصاً نیمه سمت راست آن با اختلاف بسیاری شبیه به دایره خود مشابه می باشد. اما به نظری رسد که سمت چپ حرفی نسبت به دایره دیگر کمی بیشتر به سمت داخل متمایل می شود. بهر حال باید دانست که کیفیت هر حرفی مخصوص به خود است و شاید تقایم آنها با یکدیگر صحیح باشد.

۴ نقطه است. ارتفاع



ارتفاع این حرف

دایره حدوداً یک نقطه کمتر

سمت چپ مثل تمامی

از شروع تا پایان این

از سمت راست است.

حرف تمام عرض قلم بر روی کاغذ قرار دارد. بیشترین گودی در نون در سمت چپ

است. حد الترددی داخل نون ۲ نقطه می باشد. شروع آن مثل یک الف است

سمت پائین آن که آغاز در راست به سمت راست متقابل می شود. خط کرسی

تقریباً از وسط حرف نون می گذرد. این حرف به نظام افعال به حرف دیگر

در اول دو وسط کلمه دقیقاً پیروی از قوانین اب مقص می کند، که نیازی

به توضیح نیست اما در انتهای کلمه مثل نون جدا بود. اما شروع آن فرق دارد

س ، ص ، ض ، ط ، ظ ، س

همانطور که از نمونه های بالا پدید است می توان گفت تعدادی بین قوس

حروف مختلف بالانیت و حرف قبل از نون تغییر دهنده شکل قوس می باشد.

س ، ص ، ض ، ط ، ظ ، س

به نمونه های فوق توجه کنید و پس الگوی دهنی بدست آورید

اشکالاتی که معمولاً عموم سبزجویان در روشن کردن دوایر دارند مشابه می باشند. این

موارد عبارتند از: ۱- کوتاه بودن دسته نون ۲- از دست رفتن دایره بودن

سکستگی ۳- عدم حفظ اندازه، خصوصاً عرض روشن راز دست رفتن بلند.

« تمرین »

بهر آنست امتحان نیک بود

« تمرین »

این چه باد است کز آن بومی شما میاید!





حالت جدا بر کدام دارای

حرف صاد و طاء در

# حطی

اول این دو حرف تقریباً

یک شکل می باشند قسمت

شبهه به یکدیگر هستند. زاویه شروع در هر دو یکی است. در حالت جدا قسمت

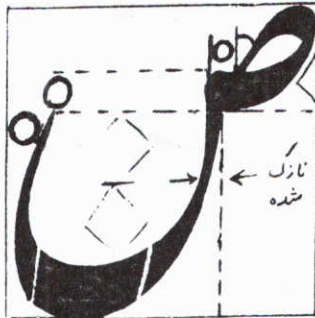
زیر این دو حرف با یکدیگر فرق دارند. اما هنگامیکه بعد از حرف طاء ندانند داشته

باشیم این دو حرف با هم تفاوتی ندارند. مثل: **صلح طلی**

بانوک و سپس محدوداً  $\frac{1}{4}$

قسمت اول صاً

فضای خالی آن باید تنها



قلم ساخته می شود.

گردی آن ۲ نقطه است.

لازم دارد داشته باشند.

و همانند در سایر دیگر قسمت چپ آن لمی کوتاه تر است. به ضخامت های مختلف نوشته

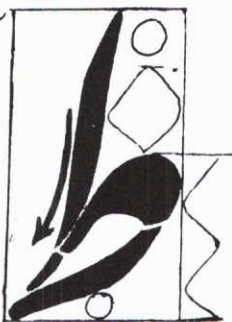
قسمت زیر صاء ۲ ضخامت قلم است. شروع قوس بانوک قلم ساخته می شود.



حرف صاد جدا را باید از ۲ نقطه بالاتر از خط کرسی آغاز نمود. اما حرف (ط)،

تسلیل شده از قسمت اول حرف صاد، که زیر آن با اشاره قلم مثل (و) نزدیک

باز می بردی آن می کشید.



به خط افق او یک الف است

این حرف نشان دهنده نوع حرکت

فاصله کمی بوجود آمده در

به سمت چپ متمایل می شود

است. دسته ط در پایان

فضای خالی را بردی کشید. این فضای خالی باید با ضخامت طها همانند

قسمت زیر حرف صاد در همه جا علی است. اما میزان بالا آمدن

دندان آن و نوع دندان بر حسب حرف بعدی تغییر می کند. ملاحظه نمایند:

صو صسد صص صصص صصصص

نمونه ۱ تا ۲ با یکدیگر فرق دارند اما نمونه ۳ و ۴ تقریباً شبیه به یکدیگرند. تنها در یک

مورد زیر حرف صاد با تمام شلم نوشته می شود، و آن هنگامی است که بعد از

صاد حرف (ر) باشد: **ص** شیب در سه اول زیاده و دور بر

دندان خیلی کم است. در نمونه ای زیر شکل این دو حرف را در اول، وسط

آخر کلمه مشاهده می کنید. توجه داشته باشید که زیر حرف صاد و خصوصاً طا،

به تناسب حرف بعدی تغییر می کند. البته این تغییر در صاد خیلی کم است.

صدر، مو، طها، صر، طو، محصر

طد، سلطط، عطا، صمع، صفا

لطف، لطف، صمد، صسا

طر، طر، صو، طلب، طفا، باطم

هم : با توجه به اینکه چگونگی زیرصاحب و طایفه اهمیت زیادی دارد

لذا ضروری است که انواع آن را شناخته تا نحوه اتصال به حرف بعد درست باشد.

« تمرین ۱۱ »

تو آوردی از لطف جوهر پدید

« تمرین ۱۲ »

و در صفت تو یقین پیدا

# س

حرف سین در حالت

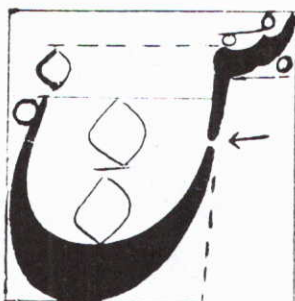
جدار دارای دو شکل کوتاه

د بلند است. محل شروع

سین کوتاه حدوداً ۱۵ نقطه بالاتر

از خط کرسی است و محل شروع سین بلند از ۳ نقطه بالاتر از آن آغاز می گردد.

شیب سین بلند حد اکثر ۲ نقطه می باشد در حالیکه در سین کوتاه بسیار باختر است.



شروع با پیش قلم

انجام می شود. دندان اول

در دم نون تیزر است

دندان سومی دور در است

قوس سین دقیقاً با نون متصل یکی است. بعد از انجام دندان اول در دم می

شیب داریم. بیش دندان اول بزرگتر است. گوری در سمت چپ بیشتر می باشد.

پس از انجام دندان و مقدمه سازی قوس، تمام قلم را برای ساختن قوس بکار می

دایره هر دو نسبت به خط کرسی دارای یک موقعیت است.





توجه داشته باشید که سین کشیده را نمی توان مستقیماً به حرف (ب، ج، ص،

ط، ق، ف، د، ی) وصل کرد. الا اینکه حداقل یک دندان بین آن و این

حروف باشد. البته دیده شده است که گاهی سین کشیده را به حرف (داو) وصل

کرده اند اما زیاد معمول نمی باشد. این حرف در وسط کلمه مشابه با نمونه های بالا

سه سب سساں سد لفسر

ساں سکاں

اما بین سین کشیده در اول کلمه و وسط کلمه ۲ تفاوت وجود دارد. الف: شعر

سین کشیده در وسط کلمه به سمت بالا قوس ندارد. ب: مقدار شیب اندازه سین

کشیده در وسط کلمه کمتر از سین اول کلمه است. دو نمونه زیر را بدقت بررسی کنید.

سو

تمرین

کترین برتر اندیش برنگذرد

تمرین

تا بچو شد بر چسپ آرد ز زبید

به فاصله بین هر حرف ترجمه نمایند و آنها را با یکدیگر مقایسه

کنند.



# ک

حرف دی، در حالت جدا دارای دو شکل کاملاً متفاو

است. نوع دایره ای شکل و نوع معکوس آن. نوع اول دایره ای ایلمی توان

در همه موارد استفاده نمود. اما معمولاً نوع معکوس در انتهای سطر، بالای آخرین کلمه

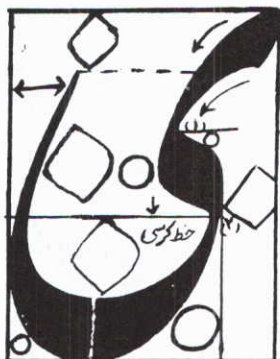
بکار می برند و کمتر دیده شده است که در وسط سطر استفاده شود که آن بهم باید دارای

شرایطی خاص باشد. در نمونه زیر حرف دی معکوس دقیقاً با حرکت کاف همسان است.

## تجدد عونا لکس فی کبوا

با توجه به اینکه استفاده از دی معکوس باید مدد در حد متناسب با

ترکیب جمله باشد لذا توصیه می گردد بر احتی از آن استغناء <sup>نکنند</sup>



ارتفاع آن ۴ نقطه است

بر اندازه که در وقت شروع

در هنگام سبک با ایجاد قوس کوتاه

شروع با تمام قلم است

به نقطه ۱۱ نزدیک می شویم بتدریج تا قلم از روی کاغذ برداشته می شود. البته گاهی

چون این عمل سرعت انجام می پذیرد برداشته شدن تا قلم مشخص نیست. برای روشن تر

بعدی دوباره از نمبه قلم استفاده می شود و دوباره قلم در نقطه ۲ در امتای خط عمود قرار

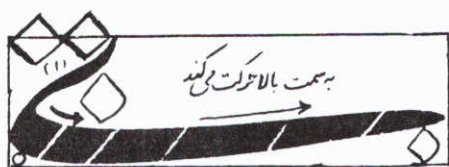
گرفته و طبقاً خط نازک شده و از همان نقطه به بعد حرکت دایره ای را آغاز می کنیم به سیر

گردی در سمت چپ است. میزان فضای خالی در دو گوشه راست و چپ نشان

نوع چرخش است. بهترین فضای مستقیم قوس با خط سفید مشخص شده که در سمت چپ می باشد.

توجه: نکته بسیار مهم این است که میزان توزیع قلمی سمت چپ (بالای خط)

میدان حرف بیشتر از دایره دیدار است.



قسمت اول با نون قلم ساخته

می‌شود. سپس تمام قلم را در جهت حرکت قبلی گذاشته و به سمت عقب (راست)

در حالیکه می‌بایست شیب دارد حرکت می‌کنیم و سرعت بالای رویم تا اینکه در انتهای

آن حداقل نقطه بالاتر از (نقطه) با شیم طول حرف (ی) معلوم است.

حرف (ی) در اول در وسط کلمه مانند حرف (ب) بعضی دیگر که

ذکر آن رتبه دقیقاً مثل یک ندانه است که نمونه‌های آن را دیده‌اید. اما در انتها

کلمه (بنگام اتصال) مثل نمونه عاری آن است ولیکن یک تفاوت کوچک در شروع آن

وجود دارد. توجه کنید: **حی علی محی** (سه‌ای)

می‌تواند حداقل سه شکل متفاوت داشته باشد. چگونگی آن بستگی به حرف قبلی دارد.



بدقت بہ نمونہ کی زیر توجہ فرمائیں۔

لی ، مسمی ، حصی ، لعلی ، مے  
مسطھی ، سسمی ، لیلی ، مے

» نثرین «

سامی کہ جامت از می صانی و تہی مہا

چشم عنایت سے مین اور دو نشان

دقت کنید کہ چگونہ کلمات در انتہای در مصرع بتدیج بالامی روند

حرف لام در حالت جدا دارای یک شکل است.

دایره این حرف همانند قوس حرف نون است. ارتفاع

آن یا نقطه است. خط کرسی از وسط قوس لام می گذرد، البته این قانون

از ترکیب پیروی نمی کند، و لذا گاهی بالاتر از خط کرسی بهم دیده می شود. دسته

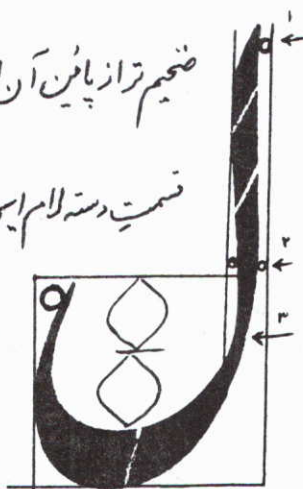
لام در بالا کمی به سمت چپ و در پایین به سمت راست متمایل است. مشخص

که بالای دسته لام ضخیم تر از پایین آن است. در مرحله ای که در

قسمت دسته لام ایسجاری گردد که با شماره (۳)

میزان انحراف سمت چپ

حرف نون بوده که با معانی



که بالای دسته لام

آغاز می شود تا کمترین

مشخص شده است.

به طرف داخل لام همانند

دقیق می توان بر این نکته رسید.

تفاوتی بین لام جدا و لام انشائی کلمه که بصورت متصل باشد وجود ندارد. به مثالی

در برد توجه کنید: **سسل جلال** اما لام در اول در وسط

کلمه دارای اشکال متفاوتی می باشد. در اول کلمه دارای ۲ شکل است:

این دو شکل کاملاً متفاوت می باشد: **لحا لب** شکل اول

با نون کلمه ساخته می شود. اما در می مثل یک الف است و لذا با

تمام کلمه نوشته می شود. از نمونه اول فقط وقتی استفاده می کنیم که بعد از لام حرف

ح و یا مشابهاات آن باشد. باید بداند که اندازه لام در نمونه دوم بر حسب حرف

بعدی تغییر پذیر است. نگاه کنید: **لسم لیس** لام کوچکتر شده.

شکل این حرف در وسط کلمه در همه موارد مثل هم می باشد.

**سلح لسی بکلا طالع لسه**

اگر ت سلطنت چشم بندی دل

ترن

کتابخانه وزارت راه و ترابری

ترن







سیاه مشق : استاد مسیّر اعظم رضا



حرف (ح)، در حالت جدا دارای یک شکل است محل این

ح

حرف نسبت به خط کرسی در حالت عادی تقریباً در وسط خط قرار می گیرد. هنگام شروع

از نوک قلم استفاده می شود و به محض اینکه به سمت راست حرکت کردیم حدوداً  $\frac{1}{2}$

عرض قلم مورد استفاده قرار می گیرد. عقب رفتن با شیب مختصری انجام می گیرد.

توجه نمایند زاویه

بر این شکل بدقت

شروع حدوداً  $\frac{1}{2}$  درجه است. به افزایش ضخامت

دقت شود. ضمناً چرخش در جهت راست و فاصله بین نوک قلم و قسمت راست

قلم ساخته می شود و ضخامت

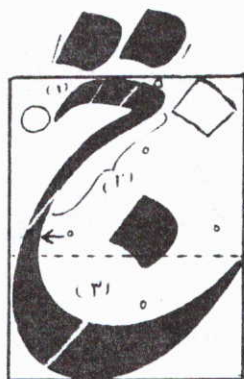
قسمت دوم بزرگ

اول در سوم می باشد محلی

آن مناسب با قسمت

گردد ایم نقطه در جهت راست

را که با فلش مشخص



برای شروع قسمت سوم جلوه‌های علم گذاری اهمیت بسیاری دارد. در حقیقت اگر در این

مورد اشتباه عمل شود قوس معلوم قطعاً خراب خواهد شد. باید بدانید که

حرکت قوس با سبقتی در امتداد حرکت دم باشد. هنگام نوشتن قوس تمام عرض قلم

بر روی کاغذ در حرکت است. قوس این حرف مثل حرف عین است که خواهید دید.

اما این حرف هنگام انتقال در اول کلمه بر حسب حرف

بعدی دارای اشکال متعددی است.

حاجب، حمر، حح، حس → توجه نماید

به نظری می‌رسد که حرف ح، در اول کلمه دارای ۵ شکل است اما اگر بخواهیم دقیق‌تر بنویسیم

می‌توان گفت که این اشکال در رابطه با حروف دیگر تغییر پذیر می‌باشند.

۱- شکل اول می‌تواند با این حروف بکار روند: (الف، دال، کاف، لام و ه)



توجه داشته باشید که نظام افعال (ح) به لام انتهایی کلمه، مفتاح است زیرا آن برگزینی است

مثال: **حل** ضمناً بدانید که قسمت اول (ذیراج)، (مقامی) می‌باشد و با نون

نم ساخته می‌شود. تا گفته ماند که در صورتی می‌توانیم حرف (ح) را به صورت کشیده

بزنیم که به اشتباه کلمه دیگری خوانده نشود. **ح** در اینجا کشیده

(مد) حتماً سخن خوانده می‌شود و نمی‌توان کلمه (جبهه) را کشیده نوشت. اما این

کلمه ← **ح** اگرچه حرف (ح) کشیده نوشته شده

است اما در نگاه اول آن را (چرخ) می‌خوانیم و قسمت کشیده (سین) خوانده می‌شود

اما در این کلمه ← **ح** این امکان وجود دارد که قسمت کشیده

عنوان حرف سین هم بکار رود پس این کلمه یا **ح**م یا **ح**م یا **ح**م در ... می‌تواند

باشد. لذا باید توجه داشته باشید که کلمه کشیده شده، شباهت عطف کلمه دیگری خوانده





مناسب با نوع کلمه در حال تغییر است، که این تغییرات را می توان به حسن

بجواری حروف تشبیه نمود.

بنگامید این حرف در آخر کلمه قرار گیرد (بصورت متصل)، قوس آن شبیه

به قوس حرف (ح) جداست. اما شروع آن کمی تفاوت دارد. توجه شود:

صح صح صح صح

بمانند که ملاحظه می کنید قسمت اول (ح) تقریباً حرکت افقی

دارد. و ضمناً ذک آن زیاد به طرف پائین سر از برشته است. افزایش ضخامت

در نمونه جدا داریم در اینجا دیده نمی شود. اما بقیه موارد مشابه هستند تفاوتی نیست.

این دو نمونه بایک قلم صح - رح - زشته شده اند. لذا تفاوتی

بین قسمت اول حرف (ح) مشخص است. ذک آن با علامت فلش مشخص شده است.

« تمرین »

پیران سخن سبزه گویند گفتت؛

« تمرین »

ای نور چشم من سخن می‌گویش کن

در موارد فوق خط کرسی شعیب از تبریک دوام آن دارد.





سایه شوق : میرزا غلام رضا

حرف عین در حالت جدا



دارای یک شکل است.

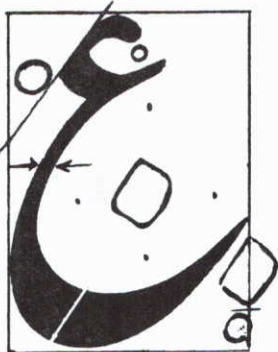
قوس آن با قوس حرف د ف، تفاوتی ندارد. بنی بر آن

گفت که شکل این حرف دقیقاً با چند حرکت ساخته می شود، شن بسیاری از

حروف دیگر، اما نحوه نوشتن آن اینگونه است: شروع با نول قلم است

و تا مر حدای که با فلش مشخص کرده ایم فقط حد الشرف قلم بکار گرفته می شود.

نوشتن قوس همه قلم در ابتدا



از خط فلش به بعد برای

کاغذ گذاشته و با دست راست

حرکت قبلی بر روی

اندازه، جلونی قلم است

میزان شیب، دور،

در هر اصل مختلف قوس و... دور می زنیم، ارتفاع آن نقطه است. به مقدار

زاویه شیب عین توجه کنید. این شیب، هنگامیکه

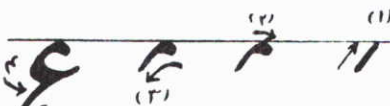
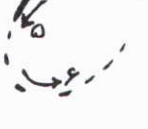


مین در اول کلمه قرار میگیرد در حسب حرف بعدی دائم تغییری یابد. با توجه

به اینکه نیمه بالای این حرف با نون در یاقلم ساخته می شود، مهم نیست که

چگونه درشتن را آغاز کنیم، مهم درست بودن شکل است. اما راحت تر آن

است که شروع آن با نون قلم در از سمت چپ باشد. توجه:

بدقت به  بدقت به  حرکت ۱، ضخامت قلم در اختیار آن، گردش میزان

فشاری در زمی آنها، فضای  داخل عین دوار در دیگر توجه کنید

آیا به نظر نمی آید که حرف عین مطابق شکل با عدد ۶، ششامت زیادی دارد

مع، روع، کلاع، سمع

موقعیت حرف قبل از عین را نسبت آن بررسی نمایید.



این حرف در اول کلمه دارای ۲ شکل کاملاً متفاوت است.

عظم <sup>به خط حرکت</sup>  
 عظم <sup>تجدید</sup>

نمونه اول کاربرد بیشتری دارد. تنها تغییراتی که در رابطه با حروف مختلف پیدا می‌کند زایدیه حرکت سمت چپ، زایدیه حرکت زیر آن و شکل حرکت زایدیه است. نمونه اول می‌تواند قبل از این حروف بیاید: (ب، ج، د، ر، س).

ص، ط، ع، ف، ق، م، ن، و، ی). اما نمونه دوم می‌تواند فقط قبل از چند حرف بیاید: (ا، د، ک، ل، ه). نوشتن زیر همین نمونه

دوم با تمام قلم است: ع ا ع د ع ع ل ع و

ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع

گاهی بعد از حرف عین باید دانه را بگونه ای گرد نوشت، در این صورت

بایستی از نمونه دوم عین استفاده نمود: **ع** در اینگونه موارد

معمولاً زیر حرف عین کمی نازکتر نوشته می شود. نمونه های صفحه قبل نشان

می دهند که زاویه زیر حرف عین (نوع اول) بر حسب حرف بعدی تغییر میکند

عجب عملو علمه عس عمص عم

به دقت بنگرید **ع** عمل عس

دشمن توجه کنید

این حرف در وسط کلمه دارای یک شکل است.

شکل این حرف در وسط کلمه، در همه جا یکسان است، دانه

قلم ساخته می شود. اما قسمت زیر آن بر حسب حرف بعدی کمی تغییر کند

گاهی خروج قلم از زیر آن با تمام عرض قلم است و گاهی با نوك قلم

تیزی سمت چپ، اگر دستی راست و دور بالای آن را مورد



بررسی قرار دهید. تغییرات زیر عین را در نمونه‌های زیر مشاهده کنید.

لعن، فلعه، لعرا، لعلى، معمم، لعلم

معلم

در نمونه‌های ۱، ۲، ۳، ۴ خروج از حرف عین با نوك قلم است.

و در باقی نمونه‌ها تمام قلم را داخل عین گذاشته بگردان می‌آئیم. اما این حرف

در انتهای کلمه هنگام انتقال، به حرف ماقبل خود در تقیاض عین

می‌باشد و قوس این هم مانند قوس عین جداست.

لعج

به نمونه‌های صفحه بعد

نوعه نمایندگی پس بر روی کتب  
۸۷

مع دمع صمع صماع جمع سمع

” مرن “

ناد علیا، مطمح العجا

تجدہ مالک نے لکھا





آموزش خط نستعلیق الفانی



9 780600 375494

انتشارات امیر کبیر  
۱۷۰۰۰۰ ریال

خط که از مهمترین دستاوردهای بشری است،  
هنگامی مورد توجه قرار خواهد گرفت  
که سیمایی زیبا و منظری خوش داشته باشد. از  
استاد معظم، دکتر الهی قمشه‌ای است  
که «خط زیبا تجلی عالم معنا در عالم صورت  
است. هندسه‌ای است روحانی که چرخش‌ها  
و دوایر عالم هستی را بیاد می‌آورد و به زبان  
حال درس انیس و الفت و مهربانی و نظم و  
تناسب و استواری می‌دهد و به آب لطف، روح  
را تلطیف کرده و غبار لفظ از چهره معنی  
می‌شوید تا جمال حقیقت بی‌پرده عیان گردد.»

شابک: ۹۶۴-۹۳۶۹۱-۲-۰۰